

مجله موسیقی

سال سوم

شهر یور و مهر ماه ۱۳۲۰

شماره ششم و هفتم



توده‌ی مردم و موسیقی

۹

بقلم م. ه. م.

مردمان يك جامعه در زندگانی مادی و اقتصادی آنها هم فرق دارند این تفاوت آنها را بطبقات اجتماعی جدا کرده. اختلاف طبقات در عالم هنر نیز بی تأثیر نمانده است و هنرهای گوناگون ازین جدائی طبقاتی زائیده شده است. زمزمه ای که يك كودك دهقان هنگام بردن گوسفندان بچراگاه سر میدهد با آواز چهارگاهی که يك نوازنده‌ی ویلن در رادیو مینوازد همسنگ نمیباشند. هنرمندان بزرگ يك هنر خاص دارند که با هنر مطلق دو تاست هنر پانگانی با زبر دستی يك ویلن نواز عادی در يك شمار نیست جز این دو گونه هنر در گوشه و کنار جامعه های متمدن يك هنر دیگر هم هست که آنها را هنر توده یا هنر عوام نام داده اند هنر مطلق

هر قدر نپخته یا ناپخته باشد باین هنریکی نیست این دو گونه هنر در جنس و وضع سازندگان و خریداران و زمینه‌ی تفنن خود از هم بیگانه اند.



نزد دهقانان رقصها و افسانه‌ها و ترانه‌های عمومی و تزیینات و گاهی نمایشهایی پیدا میشود که مزه و سلیقه دیگر داشته و با موسیقی و آذین بندی و ادبیات ما یعنی با همان چیزهایی که هنرشان نام گذارده ایم راه بیگانگی میسپارند هنرهای توده چندین خصلت مشترك نشان میدهند: پیش از همه چیز پیشه و ران متفنن که از دسترنج هنر خود نان بخورند در عالم این هنرها یافت نمیشود و خریداران مشرف که پول بالای چنین هنر بدهند نیستند همچنین صاحب چنین فن هیچگونه قوانین مجرد در فن خود نمیداند. يك سنت بومی هست که دهن بدهن گذشته و قوانین و رسوم همگانی را انتقال میدهد.

نمیتوان گفت درین گونه هنر کار شناسایی یافت نمیشوند! چه همه جا مردمان در استعداد موسیقی و آذین بندی و شاعری برابر نمیباشند این شرایط روحانی ابتدا در قلمرو هر سازمان اجتماعی حکمفرماست. هر گروه هر اندازه هم عامی باشد بر گزیدگانی پدید آورده و از آنان بهره مند میگردد لیکن این بر گزیدگان نه آنند که با تبار و یا پول پدید شوند هیچکس يك رقص چویی را بجای فلان والس یا فلان بالت اپرا نخواهد گرفت يك لائتی یا دو بیتی را با فلان آهنگ از بتهوون و موزار و يك افسانه پری و جادو را با فلان رمان ادبی همچنین يك ابریق دهقانی را با فلان گلبدان نقره اشتباه نخواهد کرد شاید بتوان همه اینها را بيك زمان نسبت داد لیکن تفننی که در آنها بکار آمده از یکچشمه آب نمیخورد پس در هر جامعه دو هنر موجود است که با هم جفت و انبازند.

این دو گانی و انبازی در تمام تمدنهای سازمان دار پیدا میشود تنها اگر این حقیقت بسایه‌ی از تردید دچار شود بسبب فقدان اسناد است. بعضی شواهد در دست هست که در تمام قرون وسطی از وجود يك سرود عام و اوزان و ابزار بندی موسیقی با الحان مختلف پهلو و پهلوئی موسیقی علمی کلیسا خبر میدهد موسیقی کلیسا نیز تا اندازه ای از موسیقی یونان و رومی ارث میبرد که با حدس نزدیک بیقین باید از تأثیر موسیقی توده و موسیقی اهل نظر *Théoriciens* بهره برده باشد.



در حلقه‌ی ادبیات اختلاف زبان بر فاصله‌ی میان دو هنر میافزاید در کشورهایی که يك قوم کشور گشا در میان بومیان مغلوب استقرار مییابد ولی با آن قوم جوش نمیخورد زبان ادبی کاملاً با زبان توده اختلاف میگیرد همین مطلب از سنجش زبان لاتینی نوشتنی یا گفتاری نزد چیچه رون با زبان عادی لاتینی نزد کمدی نویسانی مانند پلت *Plaute* و طرز حرف زدن توده که در کتیبه‌های غیر ادبی بجا مانده است بدست میآید پدیدار شدن يك زبان شاعرانه که از نثر ادبی هم مصنوعی‌تر است این دو گانی را بر سه گانی تبدیل میکند.

این تفاوت در عالم موسیقی ایرانی نیز بچشم بر میخورد موسیقی عالی ایرانی که با دستگورها و آواها سروکار دارد هر چند نمیتوان گفت علم است لیکن با موسیقی توده متفاوت میباشد.

این هنر توده که نزد اروپائیان در ازمنه‌ی پیشین از دست بر گزیدگان سر کوفت میچشیده امروز بگرا میداشت همه‌ی فضلاء و بسیاری از هنرمندان سربلند شده است.

هنر توده طبیعی‌تر بنظر میرسد با قواعدیکه از روی صنعت پدید آمده‌اند سروکاری ندارد ساده بودن و پاک بودن و همیشگی بودن صفات اوست ازین لحاظ

در حکم چشمه‌ی روانیست که هنر والا گاهی باید از آن آب برگیرد و روحی تازه کند.

اینستکه موسیقی کنونی اروپا در صدد تازه کردن الحان و آهنگهای خود و اوزان و جمله بندیهای خود برآمده با آهنگها و ترانه های ملی روی آورده در نروژ گریگ Grieg و در روسیه (پنج تناف) و در فرانسه ونسان دندی Vincent d'Indy از آب گوارای همین چشمه سیراب شده و جان تازه کرده‌اند مجله موسیقی از ابتدای تأسیس پی بمطلب برده و قدم نخست را درین راه برداشته و ترانه های عامیانه‌ای را از میان توده گرد آورده بانتشار آنها پرداخته است تا مگر روزی برسد و موسیقی دانائی پرورش یافته پدید آیند و ازین منابع دست نخورده استفاده کنند.

